

گزارشی و آموزه‌هایی از دعای «عصر غیبت» - محسن احتشامی نیا، زهرا طهوری
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال یازدهم، شماره ۴۴ «ویژه حدیث»، پاییز ۱۳۹۳، ص ۹۴-۱۲۵

گزارشی و آموزه‌هایی از دعای «عصر غیبت»

محسن احتشامی نیا*

زهرا طهوری**

چکیده: خداوند هدف از خلقت جن و انس را عبادت خود بیان کرده است. عبادت خدا همان معرفت خداست که صنع اوست، یعنی این معرفی باید از جانب خودش صورت بگیرد و لاغیر. تا این معرفی نباشد هیچ کس قادر به شناختن پیامبران راستین نخواهد بود و در نتیجه نمی‌توانیم حجج الهی را بشناسیم. لذا برای رهایی از ضلالت و مرگ جاهلیت ملزم به تسلیم نسبت به شناخت خدا و انبیاء و اولیای او هستیم تا راه صحیح بندگی و عبادت خدا را برای ما معرفی کند و در این مسیر راهبر ما باشند؛ زیرا خدا تبعیت و تسلیم بودن نسبت به ایشان را وسیلهٔ تقرب و بندگی خود قرار داده است. لذا در حال حاضر شناخت حجت زمان امام دوازدهم تنها راه رهایی از کفر و ضلالت است. به فرمودهٔ اهل بیت^{علیهم‌السلام} در عصر غیبت، همه اهل هلاکت هستند به جز کسانی که ثابت قدم در راه شناخت امام باشند و توفیق بر دعای بر حضرت داشته باشند. بنابراین با مراجعه به دعای عصر غیبت به چگونگی کسب معرفت و راه‌های مقابله با مرگ جاهلیت می‌پردازیم و از جمله مهم‌ترین آن راه‌ها می‌توان انتظار فرج، دعا برای حضرت، دعا در حق دوستان و نابودی دشمنان ایشان و تربیت منتظران اشاره نمود.

کلیدواژه‌ها: معرفت، مرگ جاهلیت، انتظار، دعا.

*. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. m.ehteshaminia@yahoo.com

**دانش‌آموخته کارشناسی ارشد الهیات - علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

am_tavana@yahoo.com

اهل بیت علیهم السلام خطر تباهی دین و نداشتن ایمان سالم و صحیح را بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین نوع هلاکت در عصر غیبت عنوان کرده‌اند. و هیچ کس از این هلاکت ایمن نیست مگر خاندان وحی و عصمت. پس هر مکلف عاقلی باید با تمسک به این خاندان و با استمداد از کلمات این بزرگواران برای رهایی از بزرگ‌ترین خطر و فتنه در عصر غیبت بیندیشد. یکی از ادعیه ماثوری که رهنمودهای گرانقدری در جهت حفظ دین و نگه داشتن مؤمنان از خطرات در زمان غیبت دارد، «دعای عصر غیبت» است که از جانب خود امام زمان علیه السلام صادر و تعلیم داده شده است و جناب سید ابن طاووس سفارش اکید به خواندن آن در عصر روز جمعه فرموده‌اند. لذا جای دارد به رهنمودهای آن گوش دل بسپاریم تا ان شاء الله از مهلکه‌های آخرالزمان نجات یابیم.

بیان مسئله

اهل بیت علیهم السلام به تعبیرات مختلف، عدم شناخت امام زمان را برابر با مرگ جاهلیت عنوان کرده‌اند، بنابراین باید مواردی را بیان کنیم که ما را در رهایی از مرگ جاهلیت کمک و راهنمایی کند. از جمله مهم‌ترین این راهکارها، کسب معرفت نسبت به خدا و رسول و به ویژه حجج الهی است؛ یعنی هرکس به حجج الهی به خصوص حجت زمان خود معرفت یافت، از ضلالت و گمراهی رها می‌شود. یکی از مطمئن‌ترین راه‌ها برای کسب معرفت و نجات از مهلکه‌ها، رجوع به کلمات اهل بیت علیهم السلام است؛ که امین درگاه الهی هستند و به واسطه ایشان طریق صحیح بندگی را می‌توان به دست آورد. بنابراین با مراجعه به دعای عصر غیبت و با توجه به تعالیم و تعبیری که حضرت ولی عصر علیه السلام در این زمینه بیان فرموده‌اند، می‌توان ان شاء الله به دین‌داری صحیح و مورد رضایت الهی دست یافت.

ضرورت و اهمیت موضوع

با توجه به طولانی شدن غیبت و نبودن اطلاعات کافی بیشتر مردم، معرفت و توجّه اندک نسبت به این حجت «حی» دارند تا جایی که این عدم شناخت، منجر به مرگ جاهلیت می‌شود، لذا همه وظیفه دارند در حد توان خود به معرفی و شناساندن آن بزرگوار اقدام کنند. یکی از بهترین گزینه‌های معرفتی، استفاده از کلام خود ایشان در دعای عصر غیبت است.

۲- معنای لغوی و رابطه دعا با عبادت

ابن منظور می‌نویسد: «اصل العبودیة الخضوع و التذلل. لا یقال: عبد یعبد عبادة الا لمن یعبد الله تعالی» (ابن منظور، ۲۰۰۰ م: ج ۹، ص ۱۱۰).

اصل عبودیت عبارت از خضوع و شکستگی و تذلل است و ... و تعبیر (عبد، یعبد، عبادة) فقط برای کسی که خدای متعال را عبادت می‌کند به کار می‌رود. در تعبیر دیگر گفته‌اند: «العبادة: الطاعة و نهایة التعظیم لله تعالی». (شروتوتی: ج ۳، ص ۴۶۱) عبادت طاعت و نهایت تعظیم برای خدای متعال است.

از این تعابیر و تعابیر مشابه آن درباره عبادت می‌توان نتیجه گرفت که عبادت بالاترین حد خضوع و خشوع و اظهار کوچکی و تعظیم در برابر معبودی است که بالاترین فضیلت‌ها را داراست. یکی از اعمال عبادی «دعا» است که بالاترین مظهر خضوع و خشوع و ابراز نیاز به حق تعالی است. امام صادق علیه السلام به نقل از جد شریفشان حضرت امیر علیه السلام فرموده‌اند: «أحبّ الاعمال الي الله عزّ و جلّ في الارض الدعاء». (کلینی، ۱۳۴۸ ش: کتاب الدعاء، باب فضل الدعاء، ح ۲) محبوب‌ترین اعمال نزد خدای عزّوجلّ در زمین، دعاست.

۳- جایگاه دعا در فرهنگ دینی

امامان معصوم علیهم السلام درباره دعا، مطالب مهمی بیان کرده‌اند، از جمله:

۱. برترین کاری است که در آستان خدای عزوجل انجام می‌شود (همان، ح ۲).
۲. کسی که به دلیل تکبر، از این عمل روی گرداند، مبعوض‌ترین خلایق نزد خداست (همان، ح ۱).
۳. انسان را به جایگاهی می‌رساند که از هیچ طریق دیگری راهی به سوی آن نیست (همان، ح ۳).
۴. خداوند در آیه ۷۷ سوره فرقان، شرط توجه کردن به بنده و رضایت خود از او را در دعا کردن قرار داده است (همان، ح ۱).
۵. بهترین راه برای تقرّب به خداست (همان، ح ۳).
۶. کلید هر رحمت و سبب هر موفقیت است (همان، باب انّ الدعاء یردّ البلاء و القضاء، ح ۷).
۷. وسیله دفع بلاهای نازل شده و نازل نشده است (همان، ح ۵).

۴- کلیاتی درباره دعای عصر غیبت

به طور کلی دعاها در فرهنگ شیعه به دو دسته تقسیم می‌شوند، یا متن و عبارت آن‌ها عیناً از زبان و یا قلم معصوم صادر شده است (دعای مأثور) و یا غیر معصومین آن را نوشته‌اند (دعای غیرمأثور). در فرهنگ غنی شیعه، دعاها و زیارات مأثور بسیاری وجود دارد که الفاظ آن از لسان مبارک اهل بیت علیهم‌السلام هستند؛ مانند دعای کمیل، دعای مشلول، زیارت عاشورا، زیارت جامعه کبیره، زیارت آل یاسین و... به حکم عقل برای ادای افضل عبادات که «دعاکردن» باید با افضل الفاظی که از جانب برترین افراد به ما رسیده است این امر را انجام دهیم؛ زیرا اهل بیت علیهم‌السلام صحیح‌ترین طریق بندگی و عبادت و دلنشین‌ترین مناجات‌ها و دعاها را به درگاه الهی دارند.

یکی از این دعاها، مأثور، معروف به «دعای عصر غیبت» است. این دعا را صدوق به دو واسطه از جناب عثمان بن سعید روایت کرده (کمال‌الدین، ج ۲ ص ۵۱۲ ح ۴۳) و شیخ طوسی نیز در مصباح‌المتهجّد (ج ۱ ص ۴۱۱) آورده است. مرحوم سید ابن طاووس آن را از

شیخ طوسی نقل کرده (جمال الاسبوع، ص ۵۲۱) و سفارش اکید به خواندن آن پس از تعقیبات نماز عصر روز جمعه کرده و فرموده است که اگر در مورد تمامی دعاهای دیگر که در تعقیب نماز عصر جمعه رسیده عذری دارید، از ترک «دعای عصر غیبت» بپرهیزید؛ زیرا ما آن را از فضل و لطف خدا دانسته‌ایم، که این فضلش مختص ماست، پس بدان اعتماد کن و مداومت نما. (ابن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۲-۵۲۹)

محدث قمی نیز متن دعا را در ملحقات مفاتیح الجنان (دعای هفتم) تحت عنوان "دعا در غیبت امام زمان علیه السلام" به نقل از منابع یاد شده آورده است.

در این دعای شریف، وجود مبارک ولی عصر - ارواحنا فداه - در طی یک سلسله جملات مجمل و ظاهراً کوتاه به بیان و آموزش یک دوره اعتقادات صحیح و کامل پرداخته‌اند؛ از جمله: ۱. توحید، ۲. پذیرش نبوت، ۳. معرفت حجت، اطاعت از اهل بیت که رمز قبولی اعمال است، ۴. چگونگی دعا بر فرج، ۵. دعا برای رفع گرفتاری از وجود مقدس خود، ۶. چشم‌اندازی از اقدامات خود را در عصر ظهور، ۷. وظایف شیعه در عصر غیبت.

لذا با خواندن دعای عصر غیبت به چند نکته مهم می‌رسیم.

از جمله اینکه عدم شناخت حجت زمان برابر با زندگی جاهلیت و انحراف درون عنوان شده است. برای توضیح بیشتر به چند حدیث توجه می‌شود:

۱. در یک حدیث، مردن بدون معرفت حضرتش، مرگی توأم با فسق و کفر و نفاق عنوان شده است. در برابر، کسی که نسبت به امام و حجت زمانش معرفت داشت، به هیچ عنوان متضرر نخواهد بود، اگرچه زمان ظهور حجت را درک نکند. (کلینی، ج ۱ ص ۳۷۱ ح ۵) اگر کسی به چنین معرفتی نایل شد همچون کسی است که همراه امام و در خیمه ایشان است؛ یعنی حضور امام را وجدان کرده و درک نکردن زمان ظهور منجی و امام زمانی که آرزوی انبیا و اولیای الهی است به او ضرری نمی‌رساند.

۲. برای رهایی از هلاکت و تباهی (در دین و ایمان) لازم است حجت زمان را بشناسیم، در شناخت خود ثابت قدم باشیم و از خدا بخواهیم که توفیق بر دعا برای فرج امام زمان علیه السلام را به ما عنایت فرماید.

امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق فرمود: «و الله لیغیبن غیبة لا ینجو فیها من الهلکة الا من ثبته الله عزوجل علی القول بامامته و وقفه فیها للدعاء بتعجیل فرجه» (همان، ح ۲).
به خدا سوگند که او غیبتی خواهد داشت که در آن زمان کسی از هلاکت (در دین و ایمان) نجات نمی‌یابد مگر آنکه خدا او را ثابت قدم بر امامتش قرار داده و توفیق بر دعا به تعجیل فرجش را به او داده باشد.

۳. امام سجاد علیه السلام فرمود: «یا ابا خالد، ان اهل زمان غیبتة القائلین بامامته و المنتظرین لظهوره افضل من اهل کل زمان». (شیخ صدوق: کمال الدین، ب ۳۱، ح ۳) ای ابو خالد، همانا اهل زمان غیبت او (حضرت مهدی علیه السلام) که اعتقاد به امامتش دارند و در انتظار ظهورش هستند از مردم همه زمان‌ها بهتر هستند.

با توجه به اینکه در عصر غیبت امام زمان علیه السلام هستیم لذا با مراجعه به دعای عصر غیبت چگونگی اعتقاد به امامت و انتظار کشیدن این امر را به ما آموزش می‌دهند.
با توجه به این سه حدیث، اهمیت معرفت و انتظار را در می‌یابیم.

پس «معرفت» کلیدی‌ترین و مؤثرترین نقش را در حفظ ایمان مؤمن در زمان غیبت دارد. با توجه به دعای عصر غیبت به این نکته می‌رسیم که امام مهدی علیه السلام همین مطلب یعنی «معرفت» را شاه کلید این دعا قرار داده‌اند. لذا با همین فراز و درخواست به درگاه الهی برای کسب معرفت، کلام خود را آغاز می‌کنند که مقدمه و آغاز هر شناختی را معرفت الله معرفی می‌فرمایند و در ادامه معرفت رسول و معرفت حجت، معرفی می‌نمایند.

۵- «دعای معرفت» و کسب معرفت

جملات اولیه دعای شریفه عصر غیبت با درخواست کسب معرفت نسبت به خدا و رسول و حجج الهی علیهم السلام آغاز می‌شود.

نخستین عبارت این دعا این‌گونه است: «اللهم عرفني نفسك فانك ان لم تعرفني نفسك لم اعرف رسولك» (سیدابن طاووس: جمال‌الاسبوع، ۵۲۲) خدایا خودت را به من بشناسان. به درستی که اگر خودت را به من شناسانی رسولت را نمی‌شناسم. نخستین گام در راه بندگی و اطاعت خداوند عزوجل، شناخت و کسب معرفت نسبت به اوست.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «أول عبادة الله معرفته.» (شیخ صدوق: توحید، باب التوحید و نفی التشبیه، ح ۲) اولین (نخستین، برترین) عبادت خدا، معرفت اوست.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ان افضل الفرائض و اوجبها علي الانسان معرفة الرب» (مجلسی، ۱۳۹۷ ق: ج ۳۶، ص ۴۰۷) همانا بافضیلت‌ترین و ضروری‌ترین واجبات بر انسان، معرفت و شناخت پروردگار است.

از بررسی احادیث باب معرفت نتیجه می‌گیریم:

۱. معرفت خدا بالاترین معرفت‌ها و در رأس همه آنهاست و همه نعمت‌ها به ویژه نعمت توحید، نبوت و امامت، همه از طریق معرفت الهی نصیب انسان می‌شود.

۲. ارزش قبولی اعمال و ارزش انسان‌ها به میزان معرفت افراد است.

۳. معیار افضیلت افراد نیز وابسته به میزان معرفت آنها عنوان شده است و هر که معرفت کامل‌تر و صحیح‌تری دارد ارزشش بالاتر است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «لا يقبل عمل الا بمعرفة، و لا معرفة الا بعمل.» و من عرف دلته معرفته علي العمل، و من لم يعرف فلا عمل له». (ابن‌شعبه‌حرانی: تحف‌العقول، شماره ۲۴) هیچ عملی بدون معرفت پذیرفته نمی‌شود و هیچ معرفتی هم بدون عمل نخواهد بود و هر کس معرفت داشته باشد معرفت او

راهنمایی روشن عمل می‌شود و هر کس معرفت ندارد عملی ندارد. تا اینجا روشن شد که در رأس همه اعمال و لازم‌ترین آنها معرفه الله است. حال باید دانست که معرفه الله چیست؟ یا به عبارتی چگونه حاصل می‌شود؟

۶- دعای «عصر غیبت» و معرفت خدا

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «المعرفة من صنع الله ليس للعباد فيها صنع». (کلینی، ۱۳۴۸ ش: ج ۱، ص ۱۶۳) معرفت کار خداست و بندگان در آن نقش ندارند. همچنین می‌فرماید: «ليس لله علي خلقه ان يعرفوا، و للخلق علي الله ان يعرفهم، و لله علي الخلق اذا عرفهم ان يقبلوا». (همان، ص ۱۶۴) برای خدا بر مخلوقات این نیست که معرفت پیدا کنند و این حق مخلوقات بر خداوند است که به ایشان معرفت را ارزانی دارد و آن گاه حق خدا بر خلق این است که پس از نیل به معرفت آن را بپذیرند. پس خدا خودش را به ما معرفی می‌کند. مسئله مهم در این نکته است که شناخت (معرفت) چیزی، جدای از قبول و تسلیم آن امر بودن است. چه بسا حقایقی برای انسان روشن گردد، اما او با توجه به اصل مهم اختیار، از پذیرش و قبول آن سر باز زند و تسلیم آن نگردد. پس گام اول معرفت است که صنع الهی است و در ادامه، از طرف انسان، تسلیم بودن. اگر کسی بعد از شناخت، نسبت به آن حقیقتی که برایش روشن شده تسلیم شود، در واقع معرفت را پذیرفته است.

۷- دعای «عصر غیبت» و معرفت رسول و امامان علیهم السلام

کسی که معرفت خدا را پذیرفت، در ادامه به معرفت رسول دست می‌یابد. در دعای عصر غیبت، ولی عصر - ارواحنا فداه - می‌فرماید: «اللهم عرفني رسولك فانك ان لم تعرفني رسولك لم اعرف حجتك». (سید بن طاووس: جمال الاسبوع، ۵۲۲) خدایا رسولت را به من شناسان که اگر رسولت را به من شناسانی حجت را نخواهم شناخت. بعد از معرفت الله و معرفت رسول و تسلیم در برابر آن، معرفت حجت را به دست

خواهد آورد که کلیدی‌ترین و اصلی‌ترین پایه معرفت است و فقدان آن، برابر با مرگ جاهلیت و ضلالت و گمراهی است.

در دعای عصر غیبت، این نکته حایز اهمیت است: «اللهم عرفني حجّتك فانك ان لم تعرفني حجّتك ضللت عن دینی.» (همان) خدایا حجتت را به من بشناسان که اگر حجتت را به من شناسانی، در دینم گمراه و ضال خواهم بود.

برای رهایی از هر گونه ضلالت باید در درجه اول شناخت نسبت به حجت زمان یافت تا به وسیله او و با توجه به راهنمایی‌های او، بتوان تسلیم معرفت رسول و معرفت الهی است.

امام حسین علیه السلام در پاسخ به فردی که از ایشان پرسید معرفت خدا چیست؟ چنین پاسخ فرمود: «معرفة اهل كل زمان امامهم الذي يجب عليهم طاعته.» (مجلسی، ۱۳۹۷ ق: ج ۲۳، ص ۸۳) معرفت مردم هر زمانی نسبت به امامی که اطاعت از او بر ایشان واجب است. در واقع چون معرفت خدا جز با معرفت حجت زمان امکان‌پذیر نیست، امام حسین علیه السلام معرفت الله را به معرفت امام زمان تفسیر فرموده‌اند.

اگر کسی در این دنیا تحت ولایت و سرپرستی چهارده معصوم قرار نگیرد، حفظ شدنش در مسیر بندگی خدا تضمین نمی‌شود و در هر لحظه، احتمال لغزش و خطا و انحراف از مسیر حقیقی خداپرستی برایش امکان‌پذیر است. یعنی به زندگی جاهلی می‌افتد و اگر با چنین اعتقادی بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لو لا نحن ما عبدا لله و لو لا هم ما عرف الله.» (کلینی، ۱۳۴۸ ش: ج ۱، ح ۵) اگر ما نبودیم خدا عبادت نمی‌شد، اگر ایشان نبودند خداوند شناخته نمی‌شد. با توجه به این احادیث، عبادت خدا یعنی معرفت او، که همان معرفت اهل بیت علیهم السلام است.

البته ما اهل‌بیت را به معرفی خدا شناخته‌ایم. و این لطف الهی بوده که این بزرگواران

را به ما معرفی کرده. یعنی خداشناسی نسبت به پیغمبرشناسی و امامشناسی اولویت دارد. ولی حفظ خداشناسی در مسیر صحیح و طریق عبادت و چپستی و چگونگی اعمال عبادی در مسیر صحیح، به وسیله اهل بیت علیهم السلام ابراز می شود. لغت- شناسان درباره معنی ضلالت گفته اند: «الضلال و الضلالة ضد الهدی و الرشاد». (ابن منظور، ۲۰۰۰ م: ج ۱۱، ص ۳۹۰) نیز گفته اند: «و في المجمع: الضالة اسم للبقر و الإبل و الخيل و نحوها». (طریحی، ۱۳۹۵ ق: ج ۵، ص ۴۰۹)

در یک کلام، مصداق کامل جاهل و ضال، ابلیس است. و هر عمل باطل و هلاکت باری را ضلالت و جهالت می دانند، تا جایی که به چهارپایان (ضالّه) گفته می شود. هم در توضیح واژه ضال و هم جهالّه، مصداق بارز آن را عرب قبل از اسلام - که معروف به دوران جاهلیت است - می دانند. در این دعا از خدا خواستاریم که بعد از اینکه ما را به ولایت اهل بیت علیهم السلام هدایت کرد، قلب های ما را از حق منحرف نفرماید و ما را به مرگ جاهلیت نیراند.

«اللهم لا تمتني ميتة جاهلية و لا تزغ قلبي بعد اذ هديتني». (سید ابن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۳)
خدایا مرا به مرگ جاهلیت نیران و پس از آن که هدایت نمودی گمراهی را بر قلب من مسلط مساز.
این جمله ناظر به آیه ۸ سوره آل عمران است.

در ادامه دعای شریف عصر غیبت بار دیگر از خداوند خواستاریم تا با ظاهر شدن امام زمان علیه السلام و گفتار آشکار و دلالت و راهنمایی ایشان، ما را از گمراهی به هدایت و از جهالت به سلامت رهنمون شود. «اللهم اني اسألك ان تريني ولي امرك... ظاهر المقالة واضح الدلالة، هادياً من الضلالة، شافياً من الجهالة». (همان) خدایا از تو می خواهم که جمال صاحب امرت را آشکارا به من بنمایی... در حالی که به گفتار آشکار و دلالت روشنش، از گمراهی به راه هدایت رهنمون شویم و از جهالت نجات پیدا کنیم.
با تدبر در دعای عصر غیبت به نکات مهم و ارزنده دیگری می رسیم که نشان می دهد

این جملات از کسی جز معصوم نمی‌تواند صادر شده باشد.

۸- دعای عصر غیبت و دعا بر فرج و ظهور

در این بخش به بیان چند فراز از فرازهایی که دیدار و ظهور و فرج آن بزرگوار از خداوند متعال خواسته شده می‌پردازیم.

* اللهم اني أسألك ان تريني وليّ أمرک ظاهراً نافذ الامر... (همان)

خدایا از تو می‌خواهم که جمال صاحب امرت را آشکارا به من بنمایی، در حالی که امرش در عالم نافذ است.

این جمله اشاره دارد به امامان پیشین علیهم‌السلام که با وجود عظمت مقام و شئون الهی، نفوذ امر نداشتند، بلکه هر کدام به نوعی ناگزیر به بیعت با طاغوت زمان خود بودند، چنانکه امام مجتبی صلوات الله علیه در پاسخ به معترضان به صلح خود، این حقیقت را متذکر شد و امام مهدی علیه‌السلام را از این مطلب، مستثنی دانست (خزّاز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۲۵)

* ابرز یا ربّ مشاهده و ثبت قواعد و اجعلنا ممّن تقرّ عینه برؤيته. (سیدبن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۳)

پروردگارا مشاهده او را آشکار فرما، و پایه‌های حرکتش را محکم گردان، و ما را از کسانی قرار ده که با دیدن جمال آن حضرت، چشمشان روشن گردد.

در تاریخ خوانده‌ایم که امیرالمؤمنین علیه‌السلام حتی در زمان خلافت ظاهری خود - به دلیل کوتاه فهمی مردم - برای حذف و نابودی بعضی از بدعت‌ها - مانند نماز تراویح - امکان و فرصت نیافت (حلبی، تقریب المعارف، ص ۳۴۷). و خود در یک جمله کلی به این مطلب اشاره فرمود: لو قد استوت قدمای من هذه المداحض، لغیّرت اشیاء (نهج البلاغه، حکمت ۲۷۲). اینک از خداوند متعال می‌خواهیم که جایگاه و پایگاه استوار به امام زمان علیه‌السلام مرحمت فرماید و سرانجام خاضعانه می‌گوییم:

* اللهم عجل فرجه. (همان)

خدایا در فرجش تعجیل فرما.

۹- دعا بر نصرت و پیروزی حضرت

در بخشی از فرازهای این دعا شیعه دست به دعا برای نصرت و پیروزی امام زمانش برمی‌دارد و از خدا نصرت ایشان را خواستار است.

* اللهم عجل فرجه و ایده بالنصر و انصر ناصریه... و اظهر به الحق... و انعش به البلاد. (همان،

ص ۵۲۵)

خداوندا در فرجش تعجیل فرما، با یاریات تأییدش کن، یارانش را یاری کن، حق را به واسطه او آشکار نما و عالم را به وجودش آباد گردان.

* اللهم ففرّج ذلك بفتح منك تعجّله و نصرٍ منك تعزّه و امام عدلٍ تطهره اله الحق أمين رب

العالمین. (همان، ص ۵۲۶)

خدایا با فتح و گشایشی از جانب خویش ما را از این اندوه‌ها به سرعت رهایی بخش، و یاری با عزت و ظهور پیشوای عادل را نصیبمان بفرما. ای خدای بحق و پروردگار جهانیان این دعا را اجابت کن.

* اللهم انا نسألك ان تأذن لوليک في اظهار عدلك في عبادک. (همان، ص ۵۲۶)

خدایا از درگاهت می‌خواهیم که به ولایت اجازه دهی تا عدلت را در میان خلقت آشکار نماید.

عدالتی که مورد نظر خداوند تعالی است، ابعادی بس گسترده دارد، تا آنجا که در دعای امام رضا علیه السلام سخن از «مجهول العدل» است که در زمان ظهور، برپا می‌شود (طوسی، مصباح المتعجد، ج ۱ ص ۴۱۰). این نکته را باید دانست که عدالت در نظر هر کسی، وابسته به گستره دیدگاه و سطح اندیشه اوست. و هر چه این سطح فکری بالاتر باشد، عدالت را در سطح بالاتری در نظر دارد. لذا چنان عدالتی در آن روزگار برپا می‌شود که مردگان آرزو می‌کنند به دنیا برگردند و در آن روزگار زندگی کنند (بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۲ ص ۲۴۲)

* اللهم و احي بوليك القرآن... و احي به القلوب الميِّتة. (همان، ص ۵۲۸)

خدایا با وجود ولایت (صاحب‌الامر علیه السلام) قرآن را زنده کن و به واسطه او قلب‌های

مرده را حیات بخش.

در توضیح این جمله می‌گوییم:

قرآن حقیقتی است که فقط در کنار عترت، نور خود را به جهان می‌تاباند. در واقع، قرآن و عترت مانند دو روی سکه‌اند که پیامبر برای رستگاری امت، تمسک توأمان به این دو رشته هدایت را توصیه فرمود (حدیث ثقلین).

اما ستمگران که تابش این نور الهی را بر نمی‌تابند، همواره کوشیده‌اند این دو نور را از هم جدا کنند. در نتیجه گویی حقایق قرآن را کُشته‌اند. دعای امام سجاد علیه السلام در اینجا خود را می‌نمایاند که در دعای عرفه، ضمن دعا برای وجود مقدس امام مهدی علیه السلام بیان می‌دارد که حضرتش آن حقایق مرده را بار دیگر جان می‌بخشد:

"و أقم به کتابک و حدودک و شرایعک و سنن رسولک صلواتک اللهم علیه و آله، و أحي به ما أماته الظالمون من معالم دینک..." (صحیفه سجاده، دعای ۴۷).

این ستم‌ها بر قرآن چنان است که پیامبر نیز از امت به خدایش شکایت می‌برد: "و قال الرسول یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا" (فرقان: ۳۰)

توضیحات مبسوط شیخ نعمانی در باب دوم کتاب غیبت، گزارشی از وضع فرهنگی قرن چهارم را نشان می‌دهد که چگونه قرآن را از عترت جدا کرده و بدینگونه به هر دو یادگار پیامبر ستم روا داشته و آنها را از حقیقت خود تهی کرده‌اند. به هر حال، در اینجا دعا می‌کنیم که خداوند، به قرآن حیات مجدد بخشد و دل‌های مرده را به یمن نظر امام عصر، زنده سازد.

* و اجعله خلیفتک فی ارضک كما ضمننت له. (سیدین طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۶)

و او را خلیفه آشکار در زمینت قرار ده همان‌گونه که این امر را تضمین فرموده‌ای.

این جمله ناظر است به آیه قرآن که می‌فرماید:

"امن یجیب المضطر اذا دعاه و یكشف السوء و یجعلکم خلفاء الارض" (نمل: ۶۲).

امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه در مورد قائم آل محمد نازل شده است. به خدا سوگند

اوست مضطرّ، که وقتی دو رکعت نماز در مقام (= مقام ابراهیم) گزارد و خدا را بخواند دعایش را مستجاب گرداند و گرفتاری از او بردارد و او را در زمین خلیفه گرداند (تفسیر قمی، ج ۲ ص ۱۲۹؛ همین مضمون به تفصیل در: ص ۲۰۵ ذیل آیه ۵۱ سوره سبأ؛ تفسیر عیاشی، ج ۲ ص ۵۷ ذیل آیه ۳۹ سوره انفال؛ غیبت نعمانی ص ۱۸۲).

این تأویل منافات ندارد با احادیثی دیگر که پیامبر، این آیه را در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام دانسته و پس از تلاوت آیه خطاب به آن جناب فرموده‌اند "لا یحبک الا مؤمن و لا بیغضک الا منافق" (مفید، امالی، ص ۳۰۸، مجلس ۳۶ ح ۵). زیرا قدرت یافتن امام مهدی علیه السلام در واقع قدرت یافتن تمام اهل‌بیت، بلکه تمام نیکان و پاکان از بدو خلقت تا پایان روزگار است، چنانکه در دعایی که امام صادق علیه السلام در شب بیست و یکم ماه رمضان خوانده، پس از شمردن اسماء حسناى الهی می‌فرماید: "و أن تأذن لفرج من بفرجه فرج اولیائک و اصفیائک من خلقک و به تبید الظالمین و تهلکهم" (ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱ ص ۲۰۱).

۱۰- ما و انتظار ظهور

حضرت صاحب الامر علیه السلام در دعای عصر غیبت، طی جملات شیوایی چگونه دعا کردن برای پایداری در اطاعت از ولی زمان و ثبات قدم در این امر را به ما آموزش می‌دهند.

جا دارد بار دیگر دو شرطی را که امام حسن عسکری علیه السلام برای رهایی از هلاکت در آخرالزمان عنوان کرده‌اند، یاد آوریم: یکی ثبات قدم در امامت ولی زمان علیه السلام و دیگری توفیق دعا بر حضرت. هر دو مورد را در دعای عصر غیبت، از خداوند مسئلت می‌کنیم. در این دعا می‌خوانیم:

* اللهم ثبتني علي دينك و استعملني بطاعتك و لئن قلبي لوليّ امرک و عافني ممّا امتحنت به خلقک و ثبتني علي طاعة وليّ امرک. (سیدبن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۲)

ای خدا مرا بر دین خودت ثابت بدار و مرا بر طاعت خویش به کار گیر و قلبم را برای صاحب امرت مطیع و نرم کن و مرا در عرصه‌های امتحان‌هایی که از بندگان به

عمل می‌آوری عافیت ببخش.

عبارت "لین قلبی" ناظر به آیاتی از قرآن است که ما را از قساوت قلب بر حذر می‌دارد. به عنوان نمونه:

"و لا تكونوا كالذين اوتوا الكتاب فطال عليهم الأمد فقست قلوبهم" (حدید: ۱۶).

نعمانی - محدث بزرگ قرن چهارم - در مقدمه کتاب غیبت، به بیانی دردمندانه از غفلت مردم نسبت به امام مهدی علیه السلام شکوه می‌کند (با این که در اوایل غیبت کبری بوده)، و با نقل حدیثی از امام صادق علیه السلام پیوند این آیه با غیبت حضرتش را نشان می‌دهد، آنگاه آیه بعدی را شاهد می‌آورد: "اعلموا ان الله یحیی الأَرْض بعد موتها" (حدید: ۱۷)، که احیای زمین به عدالت، در زمان ظهور روی می‌دهد (نعمانی، غیبت، ص ۲۴-۲۵، مقدمه مؤلف). مشابه این مضمون را در بیان شیخ صدوق در سرآغاز کتاب کمال‌الدین می‌یابیم (صدوق، کمال‌الدین ج ۱ ص ۱۷، نیز: همان کتاب ج ۱ ص ۶۵ و ج ۲ ص ۶۶۸ حدیث ۱۲ و ۱۳).

* و اجعلنا ممن تفرّ عینه برؤیته و اقمنا بخدمته و توقنا علی ملته و احشرنا فی زمرته. (سید ابن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۳)

ما را از کسانی قرار ده که با دیدن جمال آن گرامی، چشمشان روشن گردد، و ما را در خدمتش پایدار بدار، و بر ملت و آیین او بمیران و روز قیامت نیز در گروه او محشور فرما.

* و اجعلنا فی حزبه و اعوانه و انصاره و الرّاضین بفعله و لا تسلبنا ذلك فی حیاتنا و لا عند وفاتنا، حتی تتوفانا و نحن علی ذلك لا شاکین و لا ناکثین و لا مرتابین و لا مکذّبین. (سید ابن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۵)

ما را در گروه یاران و یاوران و کسانی که به کار او خشنودند، قرار بده. و این سعادت را در زندگی و مرگ ما از ما مگیر، تا در حالی ما را بمیرانی که نه دچار شک و تردید شده و نه پیمان شکسته باشیم و نه در مورد آن دودل بوده و نه آن را تکذیب کنیم.

در توضیح این جمله باید به یک حقیقت قرآنی اشاره شود که قرآن، با تعبیر "فمستقر" و مستودع" (انعام: ۹۸) از آن یاد می‌کند. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام این آیه را چنین تفسیر کرده‌اند: "فالمستقر: ما ثبت من الايمان و المستودع: المعار" (تفسیر عیاشی، ج ۱ ص ۳۷۲). بر همین اساس، مرحوم کلینی در مقدمه خود بر کتاب کافی به این مطلب اشاره کرده (کافی، ج ۱ ص ۸) و دو باب از کافی (کتاب الايمان و الکفر) را به این بحث اختصاص داده است: باب المعارین، باب فی علامة المعار (کافی، ج ۲ ص ۴۱۷-۴۲۰).

در دعاهای مختلف، به همین مطلب اشاره شده است، از جمله این که فضل بن یونس از امام کاظم علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: این دعا را بسیار بخوان: "اللهم لا تجعلني من المعارين، و لا تُخرجني من التقصير" (کلینی، کافی ج ۲ ص ۷۳، باب الاعتراف بالتقصير). در توضیح آن آمده است: مُعارین یعنی کسانی که دین آنها عاریتی است و آن را از دست می‌دهند. اما جمله دوم دعا یعنی این که همیشه خود را به درگاه الهی مقصّر بدانم (همان).

نیز در دعای مفصلی که در اعمال روز غدیر آمده، این جمله را می‌خوانیم: "أَنْ تَمَّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَ تَجْعَلَهُ عِنْدَنَا مُسْتَقْرًّا، وَ لَا تَسْلِبْنَاهُ أَبَدًا، وَ لَا تَجْعَلَهُ مُسْتَوْدَعًا، فَانْكَ قَلْتَ: فَمُسْتَقْرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ، فَاجْعَلْهُ مُسْتَقْرًّا وَ لَا تَجْعَلْهُ مُسْتَوْدَعًا" (طوسی، تهذیب الاحکام ج ۳ ص ۱۴۷).

اکنون امام عصر علیه‌السلام به ما می‌آموزد که از خدا بخواهیم یاری به حضرتش همواره در زندگی ما مستدام باشد و هیچگاه در این مسیر، گرفتار شک و تردید و موقتی بودن نشویم.

* وَ اجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ اعْوَانِهِ وَ مَقْوِيهِ سُلْطَانِهِ وَ الْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ وَ الْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ وَ مَنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ. (سید ابن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۶)

بار پروردگارا! ما را از یاران او و تقویت کنندگان حکومتش و فرمان بران دستوراتش، و از آنانی که به کار آن حضرت راضی هستند و در برابر حکمش تسلیم‌اند و نیازی به تقیه کردن از آنها در میان بندگانت ندارد، قرار ده.

در مورد اهمیت و فضیلت خدمت‌گزاری وجود مبارک امام زمان علیه السلام و منتظر ظهور حضرت بودن که با چند تأکید و یا عبارات مختلف در این دعا از خدا درخواست شده؛ به عنوان نمونه به روایتی در این زمینه اشاره می‌کنیم که در توصیف یاران امام زمان علیه السلام آمده است: «طوبی لمن احبّه و طوبی لمن قال به، ینجیهم الله به من الهلکه و بالاقرار بالله و برسوله و بجمیع الائمة، یفتح الله لهم الجنة. مثلهم فی الارض کمثل المسک الذی یسطع ریحہ لا یتغیّر ابدًا و مثلهم فی السماء کمثل القمر الذی لا یطفی نوره ابدًا». (مجلسی، ۱۳۹۷ ق: ج ۵۲، ص ۴۱۱، ح ۴) خوشا به حال کسانی که امام زمان را دوست دارند و خوشا به حال کسانی که به ایشان اعتقاد دارند خدا آنها را به سبب آن حضرت از هلاکت (بی‌دین شدن) نجات می‌دهد و به سبب اقرار و اعتراف به خدا و رسول و همه امامان خدا بهشت را برایشان می‌گشاید مثل آنها در زمین مثل مشک است که بوی خوش آن همه‌جا پخش می‌شود، ولی خودش از بین نمی‌رود. مثل آنها در آسمان مثل ماه تابان است که نور آن هرگز خاموش نمی‌گردد.

از روایات به دست می‌آید که بزرگ‌ترین آرزوی منتظر ظهور، این است که در زمره یاران حضرت قرار گیرد و به خدمت‌گزاری آن بزرگوار نایل گردد. هر اندازه شدت انتظار در کسی شدیدتر و خالص‌تر باشد، بلندی این آرزو و تمنای این امر در او عمیق‌تر می‌شود. عمق این خواسته تا آنجا است که در دعای عهد - که هر بامداد می‌خواند - از خدایش می‌خواهد که حتی اگر در زمان حیات خود به این توفیق دست نیافت، پس از مرگ به این سعادت برسد: "فأخرجنی من قبری، مؤتراً کفنی، شاهراً سیفی، مجرداً قناتی، ملیباً دعوة الداعی فی الحاضر و البادی" (کفعمی، البلداالامین، ص ۸۳؛ همو، جنة الامان (المصباح)، ص ۵۵۱).

این آرزو، از بزرگ‌ترین خواسته‌های اهل بیت علیهم السلام نیز بوده، چرا که با فرج و نصرت ولی عصر - ارواحنا فداه - اسلام به معنای واقعی تحقق می‌یابد. امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی پس از بیان فتنه‌ها و آشوب‌ها و یاد از خصلت‌های امام عصر - ارواحنا فداه -

فرمود: «هاه، شوقاً الی رؤیته» (مجلسی، ۱۳۹۷ ق: ج ۵۱، ص ۱۱۵) آه، (اشاره به قلب مبارک خود نمودند) چقدر مشتاقم او را ببینم.

امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی آرزوی خدمتگزاری در تمام طول عمر مقدسشان نسبت به امام زمان را بیان می‌فرماید: «لو أدركته لخدمته أيام حياتي.» (نعمانی: الغيبة، ص ۲۷۳) اگر دوران او را درک می‌کردم تمام عمر او را یاری می‌کردم.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود: «أما أني لو أدركت ذلك لاستبقيت نفسي لصاحب هذا الأمر» (نعمانی، غیبت، ص ۲۷۳)

پس به طور کلی بالاترین آرزوی یک منتظر، فرج و ظهور امام زمان علیه السلام است که بتواند در لشکر امام زمانش برای اینکه او به هدف الهی و فرج نهایی خود برسد جانفشانی کند؛ و اگر در طول حیاتش چنین توفیقی نصیب او نشد در صورتی که حالت انتظار در او حفظ شود، از لحاظ بهره‌وری و ثواب طبق احادیث ضرری نکرده و چیزی را از دست نداده است. بنابراین «انتظار» کیمیایی است که مس وجود را به طلای ناب مبدل می‌سازد و او را از انسانی عادی و بی‌هدف، تبدیل به مجاهدی مخلص می‌کند که در زمره شهدا و بلکه بالاتر از آن از جمله کسانی خواهد بود که در راه خدا در خون خود دست و پا می‌زند. چه پاداشی از این بالاتر و چه مقامی از این عظیم‌تر که مؤمن در راه خدا در خون خود دست و پا زند؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «يا ابا بصير طوبى لشيعة قائمنا؛ المنتظرين لظهوره في غيبته و المطيعين له في ظهوره، اولئك اولياء الله الذين لا خوف عليهم و لا هم يحزنون.» (صدوق، ۱۳۹۵ ق: کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۵۴) خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش منتظر ظهور او باشند و در هنگام ظهورش فرمان بردار از او. آنان اولیای خدا هستند نه ناامنی (در قیامت) برایشان هست و نه اندوهگین می‌شوند.

بنابراین دعا بر حضرت و یاری کردن این بزرگوار - چه در زمان غیبت و چه در هنگام ظهور- توفیق بزرگی است که هر انسان عاقلی با هزاران هزار تمنا، باید از خدای

متعال و حضرت صاحب الامر آن را مسئلت نماید.

۱۱- دعا در حق دوستان و علیه دشمنان امام زمان علیه السلام

فقرات قابل توجهی از دعای عصر غیبت، دعا در حق دوستان و رعیت و شیعیان امام زمان علیه السلام است. در این قسمت‌ها از خدا نصرت و توفیق و پیروزی محبان و شیعیان حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - را خواستاریم و هم چنین در مقابل خواستار نابودی و خذلان دشمنان ایشان هستیم. این گونه دعاها را در واقع می‌توان زیرمجموعه دعا بر حضرت دانست؛ چرا که با ظهور حضرت همه این امور مهیا می‌شود. و اصطلاحاً: «چون که صد آید نود هم پیش ماست». از طرفی پیروزی و نصرت شیعیان و خواری و خذلان منافقان و کفار، سبب مسرت و خشنودی آن بزرگوار است.

به چند فراز از دعای عصر غیبت در این زمینه اشاره می‌نماییم:

* ففوق قلوبنا علی الایمان به حتی تسلک بنا علی یدیه منهج الهدی و المحجة العظمی و الطریقة الوسطی و قوتنا علی طاعته و ثبتنا علی متابعته و اجعلنا فی حزبه و اعوانه و انصاره و الراضین بفعله. (سیدبن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۵)

قلب‌های ما را بر ایمان به او تقویت کن تا به دست مبارکش راه هدایت و طریقه بزرگ و مسیر اعتدال را بپیماییم. و ما را به پیروزی و فرمان‌برداری از او نیرو بخش و بر پیروزی‌اش ثابت‌بدار. ما را در گروه او و یاران و یاورانش و کسانی که به کار او خشنودند قرار بده.

بخش اول این جمله، اشاره به این حقیقت دارد که شیوه اهل بیت علیهم السلام روش میانه است که از غلو و تقصیر بر کنار است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: "نحن النمرقة الوسطی الئی بها یلحق التالی و إليها یرجع الغالی" (شریف رضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶؛ همو، خصائص الائمة ص ۹۸). در حقیقت، وقتی قرآن این امت را به عنوان "امة وسطا" می‌ستاید، تا بدین سان گواه بر دیگران قرار دهد (بقره: ۱۴۳)، این ویژگی و شرافت موکول به این است که امت، تن به

امامت امامانی دهد که راه میانه را در پیش گرفته‌اند، وگرنه مردم را از راه میانه به چپ و راست می‌کشاند که هر کدام به نوعی به ضلالت می‌انجامد.

این است که امیرالمؤمنین علیه السلام پس از بیعت مردم با ایشان، خطبه‌ای سرشار از حکمت و فضیلت ایراد فرمود، که ضمن آن بیان داشت: "اليمين و الشمال مضلّة، و الطريق الوسطی هی الجادّة، علیها یأتی الكتاب و آثار النبوة، هلک من ادعی و خاب من افتری" (کلبی، کافی ج ۸ ص ۶۸ ح ۲۳؛ شریف رضی، نهج البلاغه خطبه ۵۸). شیخ مفید این خطبه را آورده و "تعریض به ظالمان نسبت به حضرتش" می‌داند. (مفید، ارشاد، ج ۱ ص ۲۳۹).

باری، در این دعا، از خداوند حکیم می‌خواهیم که همچنان که امیرالمؤمنین علیه السلام در حدّ امکانات محدود زمان خود، امت را به راه میانه دلالت کرد، امام مهدی علیه السلام در سطح گسترده مردم را به چنین شاهراهی ببرد. در همین دعا چنین می‌خوانیم:

* اللهم فصلّ علیہ و علی آباءه الائمة الطاهرين و علی شيعته المنتجبين، و بلغهم من آمالهم افضل ما یأملون. و اجعل ذلك منّا خالصاً من کلّ شکّ و شبهةٍ و رياءٍ و سمعةٍ حتی لا نرید به غیرک و لا نطلب به الا وجهک. (سیدبن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۶)

بار خدایا بر او و پدرانش، آن پیشوایان پاک و بر پیروان نیک نژادش رحمت فرست. و آنها را به آرزوهایشان، به برتر از آنچه در نظر دارند برسان. و این دعا را خالصانه و به دور از شک و شبهه و ریا و سمعه قرار بده، تا از آن غیر تو را اراده نکنیم و جز تو را طالب نگردیم.

در جمله دیگری از این دعا می‌خوانیم:

* و اجعلني بهم فائزاً عندک في الدنيا و الآخرة و من المقربین آمین ربّ العالمین. (همان، ص ۵۲۹)

و مرا در دنیا و آخرت به واسطه ایشان از رستگاران و مقربان درگاہت قرار ده. ای پروردگار جهانیان، این دعاها را اجابت فرما.

از این قبیل جملات که با عبارت «و اجعلنا» آغاز می‌شود در این دعا زیاد به چشم

می‌خورد که به بعضی از آن‌ها در قسمت‌های دیگر همین نوشتار اشاره شده است. بنا بر احادیث وارده در این زمینه، منتظر ظهور امام زمان علیه السلام در واقع منتظر همه خوبی‌ها و منتظر محو همه ظلم‌ها و ستم‌های تاریخ است. کسی که خالصانه نیت یاری امام زمانش را دارد با نیت خود، در همه اقدامات حضرت شریک است و از همه آن‌ها ثواب و بهره خواهد برد.

شخص منتظر در این دعاها، از خدا می‌خواهد که بتواند از یاوران و اصحاب امام زمانش باشد و در نصرت و پیروزی و از طرفی در هلاکت و از بین بردن دشمنان ایشان تحت لوا و بیرق آن بزرگوار شمشیر بزند. لذا این‌گونه دعاها طبق فرموده امیرالمؤمنین بالاترین درجات اخروی را نصیب فرد منتظر می‌کند: «من احبنا بقلبه و اعاننا بلسانه و قاتل معنا اعداءنا بیده، فهم معنا فی درجتنا. و من احبنا و اعاننا بلسانه و لم یقاتل معنا اعداءنا، فهو اسفل من ذلك بدرجة.» (مجلسی، ۱۳۹۷ ق: ج ۳۷، ص ۸۹ ح ۳۹) کسی که ما را به قلبش دوست بدارد و با زبانش یاری کند و همراه ما با دشمنان ما بجنگد، پس در قیامت با ما و در درجه ما خواهد بود. و کسی که ما را دوست داشته باشد و با زبانش یاری کند ولی همراه ما با دشمنان ما نجنجد، در درجه پایین‌تری قرار دارد.

علاوه بر یاری اهل بیت علیهم السلام با قلب و زبان، آنچه فرد مؤمن را در بهشت هم درجه اهل بیت قرار می‌دهد، جنگ با دشمنان ایشان است. لذا در دعای عصر غیبت می‌بینیم که این گنجینه معارف الهی، دقیقاً همین نکته‌ها را به شیعیان در عصر غیبت می‌آموزد. منتظر از خدای خود می‌خواهد:

* و اقتل به جابرة الكفر، و اقضم به رؤوس الضلالة، و دّلل به الجبارین و الكافرین، و ابر به المنافقین و الناکثین و جمیع المخالفین و الملحدين، فی مشارق الارض و مغاربها و برّها و بحرھا و سهلها و جبلها، حتی لا تدع منهم دياراً و لا تبقي لهم اثاراً و طهر منهم بلادك و اشف منهم صدور عبادك. (سیدبن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۵)

سرکشان کافر را توسط او هلاک کن، سران گمراهی را به وسیله او درهم شکن،

طغیان پیشگان و کافران را (توسط او) ذلیل فرما، همه منافقان و عهدشکنان و تمام مخالفان و ملحدان را در شرق و غرب عالم در دریا و خشکی، در کوه‌ها و دشت‌ها به وسیله او هلاک و ریشه‌کن فرما، تا کسی از آنان وا نگذاری و اثری از آنها باقی نماند، سرزمین‌هایت را از لوٹ وجود آنان پاک گردان و سینه بندگان را با هلاکت دشمنان شفا عنایت فرما.

نکته‌ای که در این فقرات به چشم می‌خورد، این است که این طلب و خواسته شخص منتظر در دعای عصر غیبت برای نابودی و از بین رفتن دشمنان خدا و پیامبر، مربوط به عصر و دوره محدودی از زمان و مکان نیست، بلکه این خواسته خود را برای همه سران گمراهی و فتنه و همه طغیان پیشگان و منافقان و همه مخالفان و ملحدان در همه عرصات تاریخی و همه مکان‌های جغرافیایی از شرق و غرب عالم خواستاریم.

اگر در بعضی از غزوات پیامبر، با پیروزی بر گروهی از مشرکان و مخالفان، خداوند متعال می‌فرماید: "و یخزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدور قوم مؤمنین" (توبه: ۱۴)؛ در زمان ظهور، این شفای سینه مؤمنان با پیروزی کامل ایمان بر کفر تحقق می‌یابد. و این شادی کامل و گسترده پیامبر را در پی دارد، که در دعای قنوتی که امام عسکری علیه السلام به اهل قم آموخت، می‌خوانیم: "اللهم و سر نبیک محمداً صلی الله علیه و آله و سلم برویته و من تبعه علی دعوته" (ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۶۶)

* اللهم انا نسألك أن تأذن لوليک في إظهار عدلك في عبادک، و قتل اعدائك في بلادک، حتى لا تدع للجور یا رب دعامةً إلا قصمتها، و لا بقيةً إلا أفنيتها، و لا قوةً إلا أوهنتها، و لا رکناً إلا هدمته، و لا حداً إلا فللتها، و لا سلاحاً إلا أكلته، و لا رایةً إلا نکستها، و لا شجاعاً إلا قتلته، و لا جیشاً إلا خذلته، و ارمهم یا رب بحجرک الدامغ، و اضربهم بسيفک القاطع، و بأسک الّذي لا تردّه عن القوم المجرمین، و عذب اعداءک، و أعداء دینک و أعداء رسولک - صلواتک علیه و آله - بید و لیك، و أیدی عبادک المؤمنین. (سیدبن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۶)

خدایا از درگاهت می‌خواهیم که به ولایت اجازه دهی تا عدلت را در میان خلقت

آشکار نماید، و دشمنان را در سرزمین‌هایت هلاک گرداند، تا هیچ پایگاه و رکنی برای ستم باقی نگذاری. ای پروردگار من! و همه پایگاه‌های آنان را در هم شکنی، و بقایای آنان را نابود کنی و سپاهشان را شکست خورده و خوارسازی. پروردگارا! سنگ نابود کننده‌ات را به سوی ایشان رها کن، و شمشیر برآنت را بر ایشان فرود آور، و آنها را دچار عذابی کن که هر گروه مجرم از آن رهایی ندارند. و دشمنان و دشمنان دین و پیامبرت - درود تو بر او و آل او باد - را به دست ولیت و بندگان مؤمنت، معذب دار. آخرین جمله این بخش ناظر به آیه شریفه است که پیامبرگرامی - به امر خدای متعال - به منافقان می‌فرماید:

"قل هل تربصون بنا الا احدى الحسنین، و نحن نترص بکم ان یصیبکم الله بعذاب من عنده او بآیدینا" (توبه: ۵۲)، گویی منتظر در دعای خود اشاره می‌کند که رویدادی که پیامبر در انتظار آن بوده، همان است که در زمان ظهور تحقق می‌یابد، یعنی عذاب دشمنان به دست ولی خدا و پیروان او عملی شود.

در این جمله نکته مهمی نهفته است که هر جا در طول تاریخ قدرتی به نام دفاع از دین سر بر آورد، بدان معنا نیست که الزاماً آن را از سوی خداوند بدانیم و بدان دل بندیم. بسا که فردی قدرت طلب و منحرف، از نام خدا و دین سوء استفاده کرده و می‌کند. بلکه باید به قدرتی دل بست که ولی معصوم خدا به امر الهی برای اقامه دین بکار بندد، و خود ناظر بر اجرای آن باشد.

۱۲- ویژگی‌ها و اوصاف حجت

اگر از زاویه دیگری به دعای عصر غیبت نگاه کنیم، می‌بینیم که وجود مقدس امام زمان علیه السلام در فرازهایی از این دعا به معرفی خود و عملکردشان در هنگام ظهور اشاره می‌فرماید؛ آنچه طبق حدیث شریف نبوی برای کسب حداقل معرفت نسبت به حجت زمان شناخت ویژگی‌ها و اوصاف ایشان لازم است.

رسول خدا در حدیثی برترین واجبات را معرفت خدا و سپس معرفت رسول مطرح کرده‌اند؛ در ادامه آن چنین آمده است: «و بعده معرفة الامام الذي به يؤتم بنعته و صفته و اسمه في حال العسر و اليسر؛ و ادنى معرفة الامام انه عدل النبي ﷺ الا درجة النبوة و وارثه، و ان طاعته طاعة الله و طاعة رسول الله و التسليم له في كل امرٍ و الرد اليه و الاخذ بقوله». (خزرقمی، کفایة الاثر، ص ۲۶۳) و بعد از آن (معرفت رسول) معرفت امامی است که به او اقتدا می‌شود، هم شناخت ویژگی‌ها و اوصاف او و هم شناخت نامش - چه در سختی و چه در آسایش - و پایین‌ترین حد معرفت امام این است که او همتای پیامبر - جز در نبوت - و وارث آن حضرت می‌باشد. و این که اطاعت از امام (در حقیقت) اطاعت از خدا و اطاعت از رسول خداست، و دیگر آنکه باید در هر چیزی تسلیم محض نسبت به امام بود و (همه امور را) به ایشان ارجاع داد و نظر ایشان را برگرفت.

امام زمان علیه السلام خود را این‌گونه معرفی می‌فرماید:

✽ فانه الهادي المهدي، القائم المهدي، الطاهر التقي الزكي و النقي الرضي المرضي الصابر الشكور المجتهد. (سیدبن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۴)

زیرا او هدایت‌کننده بشر، هدایت‌یافته و قیام‌کننده برای هدایت خلق است، گوهر پاک و باتقوا، پاک‌سرشت، پاک‌سیرت، صاحب مقام رضا و خشنودی خدا، شکیبادر بلا و مصایب، شکرگزار، مجاهد و تلاشگر است. و باز می‌خوانیم:

✽ فانه عبدك الذي استخلصته لنفسك، و ارتضيته لنصرة دينك، و اصطفيته بعلمك، و عصمته من الذنوب و برآته من العيوب، و أطلعته على الغيوب، و انعمت عليه و طهرته من الرجس و نقيته من الدنس. (سیدبن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۶؛ صدوق، ۱۳۹۵ ق: کمال الدین، ب ۴۵، ص ۴۳)

زیرا او بنده مخلص توست که برای خودت خالصش گردانیدی و برای یاری دینت او را پسندیدی و با علم بی‌نهایت او را برگزیدی و از گناهان او را بازداشتی و نگهداری کردی و از عیب‌ها پیراسته‌اش کردی و از ناپاکی پاکیزه‌اش ساختی.

هر یک از کلمات و عبارات این بخش، باید به تفصیل، توضیح و تبیین شود، که در این مجال مختصر نمی‌گنجد. تنها به یک نکته مربوط به آخرین جمله آن بسنده می‌شود.

جمله "طهرته من الرجس" اشاره دارد به آیه تطهیر (احزاب: ۳۳)، که اگرچه ظاهر آن طبق شأن نزول، مربوط به خمسه طیه است، ولی در واقع مربوط به چهارده معصوم است و عبارت "اهل بیت" بر آنان دلالت می‌کند. ادله فراوان بر این امر دلالت می‌کند (بنگرید:

مجلسی، بحار الانوار ج ۲۵ ص ۲۱۲ به بعد؛ سید علی موحد ابطحی، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین).

در اینجا نیز می‌بینیم که یکی از مصادیق این آیه، حضرت مهدی صلوات الله علیه است. همین‌گونه نصوص، خود پاسخی است به افرادی مانند عکرمه که مصداق آیه تطهیر را فقط همسران پیامبر می‌دانست (بنگرید: اخوان مقدم، آیه تطهیر در آئینه شعر عرب، ص ۲۳-۵۳ و ۷۶-۷۹).

۱۳- آیین انتظار، از منظر دعای عصر غیبت

در سراسر این دعا و دعاهای مشابه آن، از ما خواسته‌اند که درباره فرج و ظهور خالصانه و با سوز دل دعا کنیم، ولی در کنار این دعا و اصرار بر آن، متذکر شده‌اند که باید در این امر (انتظار) تسلیم رضا و تقدیر الهی باشیم، تأخیر و تقدم درباره این امر را بپذیریم و از هر گونه عدم رضایت و چون و چرا برحذر باشیم.

در دعای عصر غیبت می‌خوانیم:

* و صبرني على ذلك، حتى لا احبّ تعجيل ما آخرت، و لا تأخير ما عجلت، و لا أكشف عما سترت، و لا أبحث عما كتمت، و لا انازعك في تدبيرك، و لا أقول لم و كيف و ما بال وليّ الامر لا يظهر و قد امتلأت الارض من الجور. (سیدبن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۳)

مرا بر آن صبر ده، تا دوست نداشته باشم تعجیل امری را که تو تأخیرش داده‌ای و تأخیر چیزی را مطالبه نکنم که تو تعجیلش را اراده نموده‌ای و پرده بر ندارم از آنچه تو پنهانش کرده‌ای، و چیزی را کاوش نکنم که تو پوشیده‌اش فرموده‌ای و نسبت به تدبیر تو در کار عالم با تو نزاع و مجادله نکنم، و در برابر اراده تو، چون و چرا نکنم و نگویم

که چرا صاحب الامر ظهور نمی‌کند، با این‌که زمین پر از ظلم و ستم گشته است. کسی که اینگونه راضی به رضای الهی شد، در امتحان الهی پیروز شده و ایمان خود را نگاه داشته است، و گرنه شک کردن، عجله کردن و استهزا نسبت به این امر، برابر کفر است.

انتظار ظهور، در شمار برترین عبادتهاست. لذا باید آیین و منش کلی عبادت را در آن رعایت کرد. مهم‌ترین رکن عبادت، رضا به حکم الهی و تسلیم در برابر آن است. در حدیث قدسی آمده که خداوند به کسانی که چنین نکنند، هشدار می‌دهد: من لم یرض بقضائی و لم یؤمن بقدری فلیتمس الهماً غیری (صدوق، توحید، ص ۳۷۱؛ همو، عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۱۴۱). من لم یرض بقضائی و لم یشکر علی نعمائی و لم یصبر علی بلائی، فلیتخذ رباً سواى (فتال، روضة الواعظین ج ۱ ص ۳۰؛ راوندی، دعوات ص ۱۶۹).

انسان منتظر، با وجود تمام دشواری‌هایی که در زمان غیبت تحمل می‌کند، نباید با مسئله‌ای مهم مانند ظهور، احساسی و عاطفی برخورد کند و حکم عقل و نقل را پشت سر نهد. در فرهنگ دینی همه جا دو مقوله انتظار فرج و صبر، کنار هم مطرح شده‌اند. امام رضا علیه السلام فرمود: ما احسن الصبر و انتظار الفرج (عیاشی، تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۰؛ کمال‌الدین ج ۲ ص ۶۴۵). این دو مفهوم، جدا از هم نیستند. در اینجا باید به جای رواج شعرها، درونمایه دقیق و صحیحی را که از خاندان عصمت علیهم السلام رسیده دریافت و به آن گردن نهاد.

امام جواد علیه السلام وضعیت و حالت افراد و گروه‌های مختلف را در مواجهه با غیبت امام زمان تذکر می‌دهد. صقر بن ابی‌دلف روایت کرده که امام جواد علیه السلام در ضمن حدیثی امامان پس از خود را معرفی می‌کردند تا جایی که راوی درباره امام زمان علیه السلام از ایشان می‌پرسد: «فقلت له: و لم یسمی المنتظر؟ قال: لان له غیبه تكثر ایامها و يطول امدها. فینتظر خروج المخلصون و ینکره المرتابون و ینتھزی بذکره الجاحدون و ینکثر فیها الوقاتون و ینهلک فیها المستعجلون و ینجو فیها المسلمون.» (مجلسی، ۱۳۹۷ ق: ج ۵۱، ص ۳۰، ح ۴)

راوی از امام جواد پرسید: برای چه منتظر (به فتح) نامیده شده است؟ فرمود: زیرا

غیبتی دارد که خیلی طولانی می‌شود و زمانش به درازا می‌کشد، بعد حضرت احوال مردم را در دوران غیبت طولانی بیان می‌فرماید: کسانی که چشم به راه ظهور او و تشریف‌فرمایی او هستند، اصحاب خالص او هستند. کسانی که اهل شک و ریب هستند انکارش می‌کنند. منکران یاد او را استهزا می‌کنند. بسیار کسانی پیدا می‌شوند که برای ظهور او تعیین وقت می‌کنند. کسانی که استعجال می‌کنند هلاک می‌شوند و (فقط) تسلیم شوندگان در آن دوران نجات پیدا می‌کنند.

در دعای عصر غیبت چند نکته مهم دیگر را چنین متذکر می‌شوند:

* اللهم و لا تسلینا الیقین لطول الأمد فی غیبتہ، و انقطاع خبرہ عنّا. و لا تنسنا ذکرہ و انتظارہ و الایمان بہ و قوۃ الیقین فی ظهورہ و الدعاء لہ و الصلوۃ علیہ، حتی لا یقنطنّا طول غیبتہ من ظهورہ و قیامہ، و یكون یقیننا فی ذلک کیقیننا فی قیام رسول الله ﷺ و ما جاء بہ من وحیک و تنزیلک، قو قلوبنا علی الایمان بہ. (سیدبن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۴)

خدایا به واسطه دراز شدن زمان غیبتش و قطع شدن خبرش از ما، یقین ما را زایل مگردان. و از یاد ما مبر یادش را و انتظارش را و ایمان به او را و یقین استوار بر ظهورش را و دعا برای وجود نازنیش و درود فرستادن (بر آن حضرت) را؛ تا اینکه طولانی شدن زمان غیبتش ما را از ظهور و قیام بر حقش ناامید نسازد. و ایمان ما به قیام او و ظهور او همانند اعتقاد ما به قیام پیامبر خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - و وحی و کتاب نازل شده بر او محکم و استوار باشد. قلب‌های ما را بر ایمان به او تقویت کن.

در این جمله، شش وظیفه مهم برای انسان منتظر در برابر امام عصر عجل الله تعالی فرجه بیان می‌شود:

۱. یاد او ۲. انتظار او ۳. ایمان به او ۴. شدت یقین به ظهورش ۵. دعا برای او ۶. درود فرستادن بر او.

اگر چنین شد، امید است که طول کشیدن زمان غیبت، ما را از ظهور و قیام حضرتش

نومید نسازد. دقت کنیم که امام عصر علیه السلام حق است، همان گونه که رسول خدا حق است. و ما باید یقینی به آن گرامی داشته باشیم همسان یقینی که به پیامبر داریم. شاید در این تشبیه، عنایتی باشد که از آیه "الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ" (بقره: ۲) و تأویل آن به غیبت و قیام حضرت مهدی علیه السلام (صدوق، کمال الدین ج ۱ ص ۱۷) به دست می آید. نکته این است که ایمان به پیامبر، برای بیشترین گروه مسلمانها یعنی تمام کسانی که بعد از رحلت حضرتش به دنیا آمده‌اند - "ایمان به غیب" است. آنها به تعبیر روایت: "آمَنُوا بِسَوَادِ عَلِيِّ بِيضٍ" (صدوق، من لايحضره الفقيه ج ۴ ص ۳۶۶). در دعا می خوانیم: "اللهم انى أمنت بمحمد صلى الله عليه وآله وسلم، و لم أره" (صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۵۶) و به همین دلیل، از خداوند می خواهیم که شفاعت حضرتش را شامل حال ما گرداند.

به هر حال، ایمان به مقامات معنوی پیامبر، موکول به دیدن شخص پیامبر نیست، بلکه جانی روشن و ایمانی ژرف می خواهد. همین امر، عیناً در مورد امام عصر ارواحنا فداء نیز مصداق دارد که بدون دیدن جسمی باید به او ایمان و یقین قطعی داشته باشیم. برای رسیدن به ایمان ژرف نسبت به حضرتش، عمل به شش وظیفه یاد شده می تواند گامی مفید باشد.

۱۴- دعا برای سلامت امام عصر علیه السلام

در دعای عصر غیبت، نکات و دستورات و آموزه‌های ارزنده قابل توجهی می یابیم در اینجا به عنوان حسن ختام به یکی دیگر از این آموزه‌ها بسنده می کنیم.

* اللَّهُمَّ اعْذِرْ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَ بَرَأْتَ وَ ذَرَأْتَ وَ أَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ، وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مِنْ حِفْظَتِهِ بِهِ، وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ وَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَ آلَهُ السَّلَام. اللَّهُمَّ وَ مَدِّ فِي عَمْرِهِ وَ زِدْ فِي اجَلِهِ وَ اعْنِهِ عَلَى مَا وُلِّيْتَهُ وَ اسْتَرْعَيْتَهُ وَ زِدْ فِي كِرَامَتِكَ لَهُ. (سیدبن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۴)

خدایا او را از شر هر چه خلق کردی و پدید آوردی، آفریدی و ایجاد کردی و صورت بخشیدی، پناه بده. و او را از مقابلش، پشت سرش، سمت راست و چپش و از

بالای سرش و زیر پایش حفظ کن؛ به نگهداری و حفظی که وقتی کسی را به آن‌گونه نگاه داری ضایع و تباه نمی‌شود. و در وجود او پیامبرت و وصی پیامبرت - که درود بر او و خاندانش باد- را حفظ کن. خداوندا! عمرش را طولانی کن و بر مدت زندگانی‌اش بیفزای. و در ولایت و حکومتی که بدو عنایت کردی و واگذار نمودی و نگهبان ساختی، کمکش فرما و در کرامتت نسبت به او بیفزا.

در واقع، اینگونه دعاهاى مؤثر به ما می‌آموزد که وقتی خواستیم در حقّ امام زمانمان دعا کنیم، جانب ادب نگاه داریم و به شیوه‌ای بر درِ خانه خدا برویم که حجت‌های معصوم به ما آموخته‌اند، نه بدان زبان که خودمان پسندیده‌ایم.

در جملات پایانی دعای عصر غیبت، از خدا می‌خواهیم که غم و اندوه را از وجود مبارک امام زمان علیه السلام با مرزده ظهور ایشان برطرف فرماید:

* انت يا ربّ الّذي تكشف الضّرّ، و تجيب المضرّ إذا دعاك و تنجي من الكرب العظيم فاكشف الضّرّ عن وليّك واجعله خليفتك في أرضك كما ضمنت له. (سیدبن طاووس: جمال الاسبوع، ص ۵۲۹)

ای پروردگار! تویی که هر اندوه و بلائی را برطرف می‌کنی؛ و هر مضرّ و بیچاره‌ای که تو را بخواند، اجابت می‌فرمایی و از سختی و مصیبت بزرگ نجاتش می‌دهی؛ پس غم و اندوه را از وجود ولایت برطرف کن و او را خلیفه (آشکار) در زمینت قرار ده، همان‌گونه که این امر را تضمین فرموده‌ای.

۱۵- جمع‌بندی

۱- دعای «عصر غیبت» دعایی است مؤثر که از ناحیه مقدس امام زمان علیه السلام به نایب اول ایشان املا و تعلیم شده است.

۲- سفارش اکید به خواندن این دعا از سوی سید ابن طاووس شده است که اگر تمام آنچه را که برای عصر جمعه وارد شده است مهمل گذاشتی، از خواندن این دعا غافل نشو که این دعا فضل عظیمی است از جانب خدا.

۳- سراسر این دعای شریف شامل مضامین بلند و معارف حقه و تعالیم بزرگ اعتقادی است.

۴- نخستین بخش دعا درخواست کسب معرفت خدا و رسول و حجج الهی است.

۵- در طی جملات مجمل و کوتاه، عدم شناخت و تسلیم حجت بودن را برابر با ضلالت و گمراهی معرفی می‌فرمایند.

۶- این دعا را می‌توان دارای چند سرفصل و عنوان اصلی دانست:

الف) کسب معرفت؛

ب) ثبات در دین‌داری؛

ج) دعا بر فرج و ظهور امام زمان علیه السلام؛

د) دعا بر نصرت و پیروزی امام زمان علیه السلام؛

ه) دعا برای خدمت‌گزاری به آستان امام زمان علیه السلام؛

و) دعا در حق دوستان و دشمنان حضرت.

۷- حداقل وظیفه و معرفت ما در عصر غیبت را می‌توان در دو بخش خلاصه کرد:

یکی اعتقاد به فضایل و اوصاف امام و انجام وظایفی که در قبال ایشان داریم؛ و دیگری شناخت یک‌یک امامان به نام و نسب آنها.

که هر دو مورد را با مطالعه عمیق دعای عصر غیبت می‌توان به دست آورد.

۸- یکی از نکات حایز اهمیت در این دعای شریف این است که سراسر این دعا

مملو از راهکار و دستورات خود امام‌زمان علیه السلام درباره وظایف شیعه در عصر غیبت است. به عنوان مثال:

الف) بیان دستوراتی درباره چگونگی کسب معرفت؛

ب) بیان دستوراتی درباره چگونگی دعا درباره حضرت؛

ج) بیان دستوراتی درباره چگونگی دعا در حق دوستان و نابودی دشمنان ایشان.

منابع

- قرآن کریم، حسین انصاریان، تهران، سلام، چاپ اول ۱۳۹۰ ش.
- نهج البلاغه، صبحی صالح، بیروت، بی نا، ۱۳۸۷ ق.
- نهج البلاغه، محمد دشتی، قم، موعود بوشهر، چاپ سوم ۱۳۸۱ ش.
- مفاتیح الجنان، مهدی الهی قمشه‌ای، قم، دار الثقلین، ۱۳۸۱ ش.
۱. ابن ابی فراس، ورام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، قم، مکتبه الفقیه، افست نسخه دار التعارف بیروت، ۱۳۷۶ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق. / ۱۳۵۷ ش.
۳. _____، الخصال، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۳ ق.
۴. _____، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، انتشارات اخلاق، ۱۳۷۷ ش.
۵. _____، علل الشرائع، قم، انتشارات مکتبه الداوری، بی تا.
۶. _____، عیون اخبار الرضا، تهران، جهان، ۱۳۷۸ ق.
۷. _____، فضائل الأشهر الثلاثة، قم، مکتبه الداوری، افست از مطبعة الادب نجف اشرف، ۱۳۹۷ق.
۸. _____، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم ۱۳۹۵ ق.
۹. _____، معانی الاخبار، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۹ ق.
۱۰. _____، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ش.
۱۱. ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین، تحف العقول، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۴ ش.
۱۲. ابن طاووس، سید علی، جمال الاسبوع، قم، انتشارات رضی، بی تا.
۱۳. _____، اقبال الاعمال، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم ۱۳۶۷ ش.
۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۲۰۰۰ م.
۱۵. احمد، مستنبط، ترجمه القطره، محمدحسین رحیمیان، تهران، حادق، چاپ هفتم ۱۴۲۸ ق.
۱۶. احمد بن علی بن ابی طالب، ابو منصور، الاحتجاج، نجف اشرف، دار النعمان، ۱۳۸۶ ق.
۱۷. امام رضا علیه السلام (منسوب)، فقه الرضا، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، چاپ اول ۱۴۰۶ ق.
۱۸. بنی هاشمی، سید محمد، آفتاب در غربت، تهران، میقات، چاپ اول ۱۳۸۰ ش.
۱۹. _____، سلوک منتظران، تهران، مرکز فرهنگی - انتشاراتی منیر، چاپ اول ۱۳۸۲ ش.
۲۰. _____، معرفت امام عصر، تهران، نیک معارف، چاپ سوم ۱۳۸۳ ش.
۲۱. _____، مناجات منتظران، تهران، منیر، چاپ اول ۱۳۸۶ ش.
۲۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، جامع الاخبار، بی جا، بی نا، بی تا.
۲۳. _____، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۲۴. حائری قزوینی، مهدی (مترجم)، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم، تهران، بدر، چاپ دوم ۱۳۷۲ ش.
۲۵. حسینی بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، دار الکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش.
۲۶. حسینی مرعشی شوشتری، نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۷ق.
۲۷. حسینی، سید حسین، نام محبوب، تهران، اکباتان، چاپ سوم ۱۳۷۶ ش.
۲۸. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب، بی جا، شریف رضی، چاپ اول ۱۴۱۳ ق.
۲۹. راغب اصفهانی، محمد بن حسین، المفردات فی غریب القرآن، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۷۳ ق.

۳۰. راوندی، قطب‌الدین، *الدعوات*، قم، مدرسه امام مهدی (عج)، چاپ اول ۱۴۰۷ ق.
۳۱. _____، *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۰۹ ق.
۳۲. سبحانی، جعفر، *فروع ابدیت*، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ بیست‌ونهم ۱۳۸۳ ش.
۳۳. شرتوتی، سعید، *اقرب الموارد*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۴. صفّار، ابوجعفر محمدبن حسن، *بصائر الدرجات*، بیروت، مؤسسه النعمان، ۱۴۱۲ ق.
۳۵. طباطبایی قمی و دیگران، *و اکنون تنها یک وعده باقی مانده است*، تهران، گرایش تازه، چاپ اول ۱۳۸۶ ش.
۳۶. طریحی، *مجمع البحرین*، تهران، المكتبة المرتضویة، ۱۳۹۵ ش.
۳۷. طوسی، *الغیبة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول ۱۴۱۱ ق.
۳۸. عیاشی، محمدبن مسعود، *تفسیر عیاشی*، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
۳۹. فرات‌بن ابراهیم‌بن فرات کوفی، ابی‌القاسم، *تفسیر فرات کوفی*، بیروت، النعمان، ۱۴۱۲ ق.
۴۰. فراهیدی، خلیل‌بن احمد، *العین*، قم، دار المغیبة، چاپ اول ۱۴۰۵ ق.
۴۱. قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، *کنزالدقائق و بحر الفرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۷ ش.
۴۲. قمی، جعفر بن محمد بن قولویه، *کامل الزیارات*، قم، نشر الفقهیه، ۱۴۱۷ ق.
۴۳. قمی، علی‌بن ابراهیم‌بن هاشم، *تفسیر قمی*، قم، دار کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۴۴. قمی، علی‌بن محمد فزاز، *کفایة الاثر*، قم، بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۴۵. کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۴۸ ش.
۴۶. مجتهدی سیستانی، سید مرتضی، *الصحیفة المهدیة*، مصحح و مترجم: محمد ظریف و محمدحسین رحیمیان، قم، نشر حاذق، چاپ سوم ۱۳۸۳ ش.
۴۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، تهران، للمکتبة الاسلامیة، ۱۳۹۷ ق.
۴۸. نعمانی، ابن ابی‌زینب محمدبن ابراهیم، *الغیبة*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ ق.
۴۹. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌البتیة، چاپ اول ۱۴۰۸ ق.
۵۰. هلالی کوفی، سلیم‌بن قیس، *سلیم‌بن قیس*، قم، الهادی، چاپ اول ۱۴۱۵ ق.
۵۱. همدانی، علی‌اکبر بن محمد، *پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی*، تهران، بدر، ۱۳۶۱ ش.
۵۲. _____، *تکالیف الامام فی غیبة الامام*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۵۴ ش.

پایان‌نامه‌ها

۵۳. شیخی‌پور، هاجر، *سخط و رضای الهی از منظر قرآن و روایات*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد راهنما: محسن احتشامی‌نیا، ۱۳۸۹.
۵۴. فضلی، ابوالفضل، *بررسی مصادیق ضلالت در قرآن و احادیث*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد راهنما: محسن احتشامی‌نیا، زمستان ۱۳۸۹.
۵۵. مرادی، رقیه، *تفسیر و تأویل حی و میت از منظر قرآن و روایات*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، استاد راهنما: سیده فاطمه هاشمی، تابستان ۱۳۹۱.
- نرم‌افزار
- نرم‌افزار جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).